

تهمت؛ برهم زنده حیات اجتماعی اسلام

گروه های اسلامی باید تعاملاتشان را بر حسن ظن بنا گذارند و تا جایی که به وسیله تحقیق اثبات نشده به تهمتها توجه نکنند، نه شیعیان اهل سنت را افراطی بدانند و نه اهل سنت شیعیان را عامل توهین به مقدسات.



گروه های اسلامی باید تعاملاتشان را بر حسن ظن بنا گذارند و تا جایی که به وسیله تحقیق اثبات نشده به تهمتها توجه نکنند، نه شیعیان اهل سنت را افراطی بدانند و نه اهل سنت شیعیان را عامل توهین به مقدسات.

به گزارش خبرگزاری مهر، تهمت به عنوان آفتی اجتماعی (و نه صرفاً اخلاقی) از برنده ترین سلاحهای دشمنان حق در طول تاریخ عموماً و در مسیر فرستادگان الهی به صورت خاص است. قرآن کریم نمونه های روشنی از این استفاده را برای مسلمین تصویر کرده است، از تهمت دیوانگی به نوح پیامبر(علی نبینا و آله و علیه السلام) تا بهتان شاعر و کاهن بودن به محمد مصطفی(صلی الله علیه و آله وسلم). متأسفانه گاهی چنان این سلاح موثر واقع شده که پیروان پیامبران الهی را نیز دچار اشتباه کرده، رفع اتهام کفر توسط قرآن کریم از حضرت سلیمان(علی نبینا و آله و علیه السلام) بارزترین دفاع از یک پیامبر در مقابل تهمت هم کیشان خود (یهودیان) است.(۱)

آیات و روایات وارد شده در مورد تهمت که ناشی از توجه کامل اسلام به تاثیرات مخرب این پدیده اجتماعی است - علاوه بر تحذیری که نسبت به آن دارند مانند: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنْ بَهَتَ مُؤْمِنًا أَوْ مُؤْمِنَةً أَوْ قَالَ فِيهِ مَا لَيْسَ فِيهِ أَقَامَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى تَلٍّ مِنْ نَارٍ حَتَّى يَخْرُجَ مِمَّا قَالَ فِيهِ»(۲)، معارف دیگری را نیز تبیین می کنند که می توان آنها را به طور کلی در سه دسته جای داد:

دسته اول آیات و روایات مربوط به بیان خاستگاه بهتان؛ از این منظر بهتان یا ناشی از عواملی بیرونی و با علم به بی گناه بودن شخص مورد تهمت است و یا ناشی از بی اطلاعی تهمت زنده است. قرآن کریم خاستگاه تهمتهای ناآگاهانه را ظن و گمان می داند و از آن رو که ابتلاء بسیاری از مردم به این نوع بهتان است؛ در موارد متعددی از ظن و گمان نهی کرده: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ»(۳)

البته کاملاً واضح است که پیدایش وهم یا گمان در اختیار انسان نیست (هر چند که مقدماتش می تواند گاهها اختیاری باشد) و منظور این آیات ترتیب اثر دادن و توجه به این نوع گمانهاست، چنانچه خدای متعال در آیه دیگری تصریح می کنند: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ»(۴). در جای دیگر نیز قرآن کریم ترتیب اثر دادن به سوء ظن را چنین سرزنش می کند: «وَوَظَنْتُمْ ظَنَّ السَّوْءِ وَكُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا»(۵) و در وصف مشرکان چنین می گوید: «إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ»(۶)

به طور خلاصه آنچه که مقصود دین در این حیطة می باشد، از بین بردن خاستگاه بهتان و ایجاد زمینه برای زندگی اجتماعی اخلاقی است.

دومین دسته از معارف اسلامی وظیفه شخصی را بیان می کنند که مورد تهمت است، اسلام در چارچوب تلاش برای از بین بردن خاستگاه تهمت، به شدت اشخاص را از انجام هر عملی که زمینه تهمت به او را به وجود می آورد، نهی می کند علی علیه السلام: «إِيَّاكَ وَ مَوَاطِنَ التَّهْمَةِ - وَ الْمَجْلِسَ الْمَطْثُونَ بِهِ السُّوءُ»(۷). از منظر دین چنین شخصی اگر در از بین بردن زمینه های تهمت کوتاهی کند، در تهمتی که به او زده می شود سهیم است: «أَبَى عَبْدُ اللَّهِ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ع قَالَ: مَنْ دَخَلَ مَوْضِعًا مِنْ مَوَاضِعِ التَّهْمَةِ فَاتَّهَمَ لَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ»(۸)

دسته سوم از میراث اسلامی وظیفه شنوندگان تهمت را بیان می کند، اسلام بعد از این که کوشش خود را برای از بین بردن بهتان به صورت کلی-و به وسیله از بین بردن منشا و خاستگاهش - دنبال می کند، همت خود را برای عدم انتشار آن صرف می کند؛ به عبارت دیگر در پله اول بنای اسلام بر این است که اعضای جامعه اسلامی اتهام پراکنی را در تعاملاتشان برقرار نکنند، اما در قدم دوم در فرض بیان اتهام از سوی بعضی مسلمین، اسلام تلاش خود را مصروف خاموش کردن شعله های آن آتش می کند.

اسلام برخلاف باور رایج وظیفه شنوندگان تهمت را سکوت و واگذاری به علم خدا نمی داند! بلکه تصریح بر این دارد که وظیفه شخص مسلمان در مواجهه با تهمت به مسلمان دیگر، تکذیب آن تهمت است. نمونه کامل این سیره را می توان در داستان «افک»(۹) دید. خدای متعال آیات مربوط به اتهام به همسر پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) را بیان نکته ای راهبردی

آغاز می کنند: «إِنَّ الَّذِينَ جَاؤُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنْكُمْ». آیه کریمه اتهام پراکتان را یک گروه متشکل و بهم پیوسته (عصبه) می داند. یعنی تصریح دارد در جامعه اسلامی دسته بندی هایی وجود دارد که با اهداف خاص رویه ها و جریانی را دنبال می کنند و این افک ناشی از همان رویکردها و نه از سر غفلت و جهالت است.

خدای متعال در ادامه می فرماید: «إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنفُسِهِمْ خَيْرًا». دو نکته مهم از این تعبیر الهی فهمیده می شود: اول اینکه ایمان ملاک وحدت است. و دومین نکته اینکه وقتی مومنین خود را نفس واحده بدانند، هر مومنی باید آبروی سایر مومنین را آبروی خود بدانند، طبعاً در چنین جهان بینی جز حسن ظن نمی توان داشت و اعمال را جز بر بهترین وجه نباید حمل کرد.

ادامه آیه کریمه وظیفه مسلمین را تکمیل می کند که در مقابله با اتهامات باید به تکذیب پرداخت: «... وَ قَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ». امری که متأسفانه در بین مومنین در جوامع اسلامی قلب شده و نهایتاً اتهاماتی را که می شنوند با جمله: «ما اطلاعی نداریم، خدا می داند.» در ظاهر واگذار به علم خدا، و در باطن به صورت ضمنی تایید می کنند. خدای متعال در انتهای آیات این وظیفه را بار دیگر به صورت مصرح بیان می کنند که مومنین اولاً باید مانع از طرح چنین صحبت های شوند: «وَلَوْ لَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذَا سُبْحَانَكَ» و ثانیاً به تکذیب آنان بپردازد «... هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ» رویکردی که قلب و ترک آن متأسفانه هر روز آسیبهایی گسترده ای را دامن گیر مسلمین می کند.

با توجه به این معارف اسلامی واضح است که امروز در جامعه اسلامی، وظیفه اول متوجه رسانه های جمعی و تاثیرگذاران است تا از تهمت به سایر مسلمین و نفرت پراکنی بوسیله آزادی که در اختیار دارند، پرهیز کنند؛ هر چند که این کار برآمده از ظلم و بی عدالتی از طرف مقابل باشد. لا یجرمنکم. اما هیچ گاه از دو وظیفه دیگر نیز نباید غافل شد، اول اینکه گروه های اسلامی باید تعاملاتشان را بر حسن ظن بنا گذارند و تا جایی که به وسیله تحقیق اثبات نشده به تهمتها توجه نکنند، نه شیعیان تمام اهل سنت را افراطی و عامل کشتار بدانند و نه اهل سنت تمام شیعیان را عامل توهین به مقدساتشان!

تکلیف تهمتهایی مانند ناصبی بودن اهل سنت و یا وجود قرآن دیگری در میان شیعیان، که هیچ پایه واقعی هم ندارند به طریق اولی روشن است و دومین وظیفه اینکه گروه های اسلامی در رفع زمینه های تهمت کوشا باشند، فتاواي آیت الله خامنه ای و بسیاری از مراجع شیعه در حرمت توهین به مقدسات اهل سنت در کنار فتواي بزرگانی مانند شیخ الازهر در حرمت خون شیعیان، قدم های بزرگی در مسیر این وظیفه اسلامی ست؛ هر چند که هم تلاش بیشتر خود متولیان دین را می طلبد، و هم فعالیت اجتماعی پیروانشان حول ترویج این نظرات را.

پی نوشت:

۱- سوره مبارکه بقره آیه ۱۰۲

۲- عیون اخبار الرضا علیه السلام ج ۲ ص ۳۳

۳- ای کسانی که ایمان آورده اید! از بسیاری از گمان ها بپرهیزید زیرا که بعضی از گمان ها گناهند. سوره مبارکه حجرات آیه ۱۲

۴- از آن چه نمی دانی پیروی نکن! سوره مبارکه اسراء آیه ۳۶

۵- گمان بد کردید و سرانجام هلاک شدید. سوره مبارکه فتح آیه ۱۲

۶- آنها تنها از گمان پیروی می کنند و از تخمین و حدس واهی. سوره مبارکه انعام آیه ۱۱۶

۷- امالی مفید ص ۲۲۲

۸- امالی صدوق ص ۴۹۷

۹- داستان افک از آموزنده ترین حوادث صدر اسلام است که در آن یکی از همسران پیامبر مورد تهمت ناشایستی قرار گرفت و این تهمت میان مسلمین شایع شد؛ خدای متعال در آیات ۱۱ تا ۱۷ سوره مبارکه نور به بیان قبح این تهمت و وظیفه مسلمین در مقابل آن پرداخته اند.

علی بهادرزایی، طلبه حوزه علمیه قم، منبع: اخوت